

In the name of God

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دیار نزدیک

روایتی تصویری از بازدید مناطق جنگی

The familiar land

A visual narrative of visiting war zones

IRAN 2007 / 2009

Photos by: Saeed Faraji

سرشناسه:	فرجی، سعید، ۱۳۶۰، عکاس.
عنوان و نام پدیدآور:	دیار نزدیک: روایتی تصویری از بازدید مناطق جنگی
مشخصات نشر:	عکاس سعید فرجی؛ ترجمه مجتبی احمدخان.
مشخصات ظاهری:	تهران: ساقی؛ انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس، ۱۳۹۱.
فروست:	۹۶ ص : مصور ۲۱۲۱ س.م.
شابک:	نشر ساقی: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۸-۲۲۰۰-۱۳۰/۷۰۷۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	فارسی - انگلیسی.
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - میدان های جنگ - مصور
موضوع:	میدان های جنگ - ایران - خرمشهر - مصور
موضوع:	میدان های جنگ - عراق - شلمچه - مصور
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - خرمشهر - عکس ها
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - شلمچه - عکس ها
شناسه افزوده:	احمدخان، مجتبی، ۱۳۴۰، مترجم
رده بندی کنگره:	DSR1603/۴36,9 1391
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۸۴۲۰۲۲۲
شماره کتابشناسی ملی:	۳۷۰۷۰۴۱
تاریخ درخواست:	۱۳۹۰/۱۲/۱۵
تاریخ پاسخگویی:	۱۳۹۰/۱۲/۱۸
کد پیگیری:	۳۷۰۶۲۶۶



## دیار نزدیک

چاپ اول: ۱۳۹۱-تهران  
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه، قیمت: ۱۲۰/۰۰۰ ریال  
عکاس: سعید فرجی  
مدیریت هنری و محتوایی: انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس  
صفحه‌آرا: بیژن نجمی  
ویرایش عکس: سیدمصطفی آهنگرها، سیدحامد میرهاشمی  
ترجمه: مجتبی احمدخان  
لیتوگرافی و چاپ: واژه پرداز اندیشه  
ناشرین: «نشر ساقی» و «انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس»  
کلیه حقوق برای ناشرین محفوظ است.

### The Familiar Land

First Published in Tehran 12012  
Circulation number: 2000 Copy  
Photographer: Saeed Faraji  
Content & Art Directors: Association Revolution & Holy Defence Photographers  
Layout: Bijan Najmi  
Photo Edit: Mostafa Ahangarha, Hamed MirHashemi  
Translated by: Mojtaba Ahmad Khan  
Lithography & Print: Vazheh Pardaz e Andisheh  
Publishers: «Saghi Publish» & «Association Revolution & Holy Defence Photographers»

**دربارهٔ کتاب/** دیار نزدیک، روایت سفر به سرزمینی است که حدود ۳۱ سال پیش از انتشار این کتاب، جنگی نابرابر و تحمیلی از سوی عراق در آن‌جا آغاز شد و بسیاری از مردان و زنان این سرزمین برای دفاع از تنهاجَم دشمن جان خود را فدا کردند. بیست سال پس از پایان جنگ، رزمندگان و دلباختگانِ آن سرزمین برای دیدار و مرور خاطرات خود در تعطیلات نوروز هر سال به آن‌جا سفر می‌کنند. ناشر تلاش دارد تا با چاپ این دوره از کتاب‌ها، علاوه بر ترویج هنرمندانه این اتفاق، به تاریخ‌نگاری مصور در کشور رونق ببخشد. تلاشی که به یاری خدا ادامه خواهد داشت.

**About the Book /** The familiar land is the chronicles of a journey to a land, from where 31 years before publication of this book, Iraq started its unequal and imposed war and where many brave men and women sacrificed their lives defending their homeland against enemy invasion. 20 years after the end of the war, the veterans and the devotees travel to the land during the New Year holidays to visit and relive the memories. Through this collection of books, the publishers have tried not only to portray the event from an artistic angle, but also to promote the visual narration of history in the country, and with the grace of God this effort will continue.

متولد روزهای اول دههٔ ۶۰ هستم. تمام خاطراتم از دوران جنگ، رزمندگانی هستند که به منطقهٔ عملیاتی اعزام می‌شدند. ۶ یا ۷ ساله بودم که جنگ تمام شد، سال‌ها گذشت و من به عکاسی روی آوردم. دغدغه‌هایم نسبت به مسائل انسانی مرا به عکاسی اجتماعی و بحران سوق داد. زلزله بم، راهیان نور در ایران، جنگ لبنان، افغانستان، ترکیه، سوریه، بحران قحطی در سومالی، لیبی، بنگلادش و تونس از پروژه‌هایی است که در آن‌ها مشارکت داشتم. دیار نزدیک، ماجرای سفر به بیابان‌هایی است که ظاهری شبیه به هر بیابان دیگری دارند. اما یک نکته این‌جا را برای من متمایز از هر مکانی شبیه به خود می‌کند و آن، خاطراتی با قدمتی بیست و چند ساله است که برای یک ملت باقی مانده است. این‌جا، در این نقطه از زمین، مردانی برای وطن جان داده‌اند، که من فقط خداحافظی‌شان را به یاد دارم. خیلی خوب به یاد دارم.

سعید فرجی

I was born in the early eighties. My only memories of war consist of combatants on their way to the frontlines. I was 6 or 7 years old when the war ended. Years passed and I took up photography, and my interests in human issues pushed e towards social and crisis photography. The Bam earthquake, the travellers to light in Iran, the Lebanese war, Afghanistan, Turkey, Syria, the draught in Somalia, Libya, Bangladesh and Tunisia are among projects I took part in. "The Familiar Land" is the chronicles of a journey to a desert like many others in appearance. However, for me there is a quality here that distinguishes it from all others, and that is the memories of over twenty years ago left for a nation. Here, at this very point, many men lost their lives for their country and I only remember their adieus. Yes I remember it well.

Saeed Faraji



سعید فرجی ۱۳۶۰-تهران

عکاسی مطبوعاتی ۱۳۸۸ - ۱۳۷۹

مدرک درجه دو هنری

(فوق لیسانس عکاسی) ۱۳۸۷

پروژه‌های انجام شده:

تبادل ۱۳۸۷ - ۱۳۸۵

راهیان نور ۱۳۸۷ - ۱۳۸۶

زلزله بم ۱۳۸۲

سومالی (آخرین فرزندان سومالی) ۱۳۹۰



Saeed Faraji – 1981, Tehran

Press photographer, 2000 – 2009

Holder of Artistic Grade 2

(MA.Photography), 2008

Projects undertaken:

Exchange, 2006 – 2009

Travellers to Light, 2007- 2009

Bam Earthquake, 2004

Somalia (the last child of Somalia ), 2011



**خرمشهر،** فروردین ۱۳۸۶/ اتوبوس حامل زائرانِ خرمشهر وارد شهر شده است.

**Khoramshahr,** March 2007/ the bus carrying the visitors has entered the city.

**خرمشهر/** در روز ۲۶ شهریور سال ۱۳۵۹، صدام حسین به صورت یک طرفه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که قبلاً میان دو کشور ایران و عراق برای تعیین مرزهای مابین خود برقرار کرده بودند را بی‌اعتبار خواند. او در نطق رادیو – تلویزیونی خود اعلام کرد: «ما تصمیم تاریخی خود را برای اعاده حاکمیت کامل بر سرزمین و آب خود اتخاذ کردیم و با قدرت هر چه تمام‌تر در برابر هرکس که این تصمیم قانونی را نادیده بگیرد، می‌ایستیم...» پس از این نطق بود که شمارش معکوس برای شروع جنگ آغاز شد و در بعد از ظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حمله‌ی هواپیماهای جنگنده‌ی عراق به چند فرودگاه ایران و هدف قرار دادن مردم بی‌دفاع شهرهای مرزی از جمله خرمشهر، شعله‌های جنگ زبانه کشید. خرمشهر یکی از نخستین نقاطی بود که مورد حمله‌ی ارتش بعثی عراق قرار گرفت. مدافعان این شهر که اغلب از مردم بومی و شماری دانشجو بودند با کمترین امکانات نظامی به فرماندهی شهید محمد جهان‌آرا که در آن زمان فرمانده سپاه خرمشهر بود، به دلیل آشنایی با منطقه مدت ۳۵ روز در مقابل ارتش عراق مقاومت کردند و سرانجام در تاریخ ۴ آبان ۱۳۵۹ هجری شمسی آخرین مدافعان شهر نیز بخاطر فشار زیاد ارتش بعثی عراق و کمبود سلاح و مهمات مجبور به عقب نشینی از شهر گردیدند. خرمشهر پس از ۵۷۸ روز اشغال توسط ارتش بعثی عراق، در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۶۱ در عملیات نیروهای سپاه پاسداران، ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی مقاومت بسیج، طی ۲۱ روز، در چهار مرحله عملیات نظامی به فرماندهی احمد متوسلیان با عنوان عملیات بیت المقدس، برای همیشه آزاد شد. مردم هم چنان سال‌ها بعد از پایان جنگ برای دیدار و ادای احترام به خرمشهر و مسجد جامع آن که سمبل مقاومت شهر بود به این شهر می‌آیند.

**Khoramshahr /** On 17th September 1980, Saddam Hussein unilaterally abrogated the 1974 Algiers Treaty previously signed between Iran and Iraq to determine their common frontier. In an announcement broadcast on Iraqi radio and television he said: “We have taken our historical decision for complete sovereignty over our territory and water and we will stand up against anyone who ignores this legal decision.” It was after this speech that the countdown for the war started, and scaled up to full fledged level on 21st September 1980 with the bombardment of Iranian airports and the innocent people in a number of cities, including Khoramshahr, by the Iraqi planes. Khoramshahr was among the first targets of Baath regime’s attacks. Given their familiarity with the region, the city’s defenders, consisting mostly of local residents and a number of students, headed by Martyr Mohammad Jahan Ara, the then commander of Khoramshahr’s Revolutionary Guards, were able to withstand the assault for 35 days with a minimum arms and ammunitions. Finally on 26th October 1980, the last defenders, who had exhausted their ammunitions and could no longer resist the pressure, retreated from the city. After 578 days of occupation by the Baathist forces, Khoramshahr was freed forever on 24th May 1982 by the Revolutionary Guards, the Islamic Republic of Iran army and the Basij (Mobilization) Resistance forces, who were all commanded by Ahmad Motevaselian after 21 days of joint operation code named as the Beitol Moghaddas Operations. Years after the end of the war, people still flock to this city to visit and honor Khoramshahr and its congregational mosque, which has become the symbol of the city’s resistance.





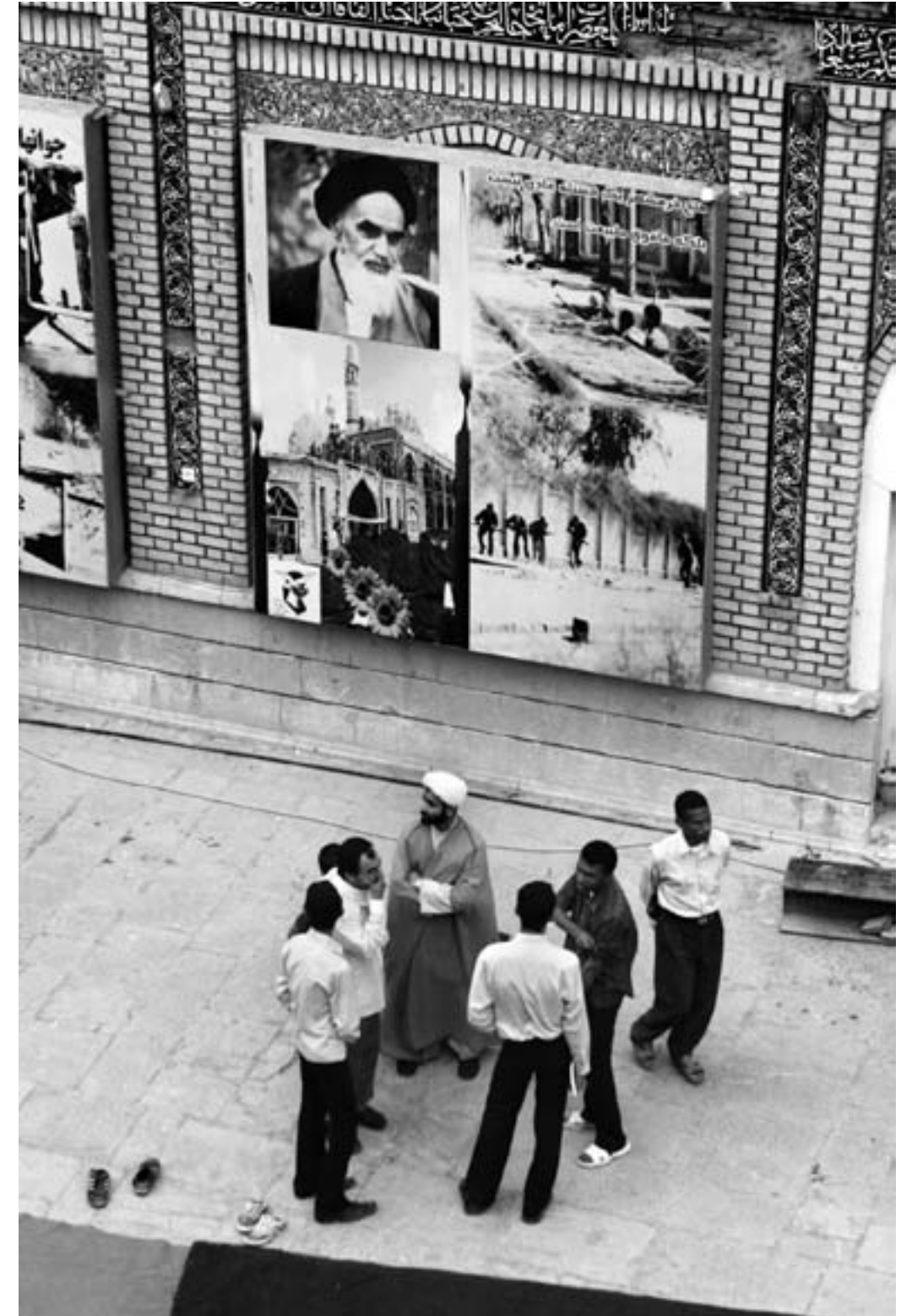
مسجد جامع، خرمشهر، فروردین ۱۳۸۶ / زائران برای دیدار مسجد جامع، سمبل مقاومت شهر خرمشهر به سمت آن می‌روند.

The Congregational Mosque, Khoramshahr, March 2007/  
Visitors enter the Congregational Mosque, the symbol of Khoramshahr's resistance.



اطراف مسجد جامع، خرمشهر، فروردین ۱۳۸۶ /  
صرف ناهار پس از زیارت مسجد.

Around Congregational Mosque, Khoramshahr, March 2007 / Lunch spread after the visit to the Mosque.



حیاط مسجد جامع، خرمشهر، فروردین ۱۳۸۶.

The Courtyard of the Congregational Mosque, Khoramshahr, March 2007.



موزه مقاومت، خرمشهر، فروردین ۱۳۸۶ / زائرین برای دیدن آثار به جا مانده از خرمشهر در دوران جنگ تحمیلی به موزه جنگ می آیند.

Museum of Resistance, Khoramshahr, March 2007/ Visitors have come to the Museum to see the spoils of war in Khoramshahr.



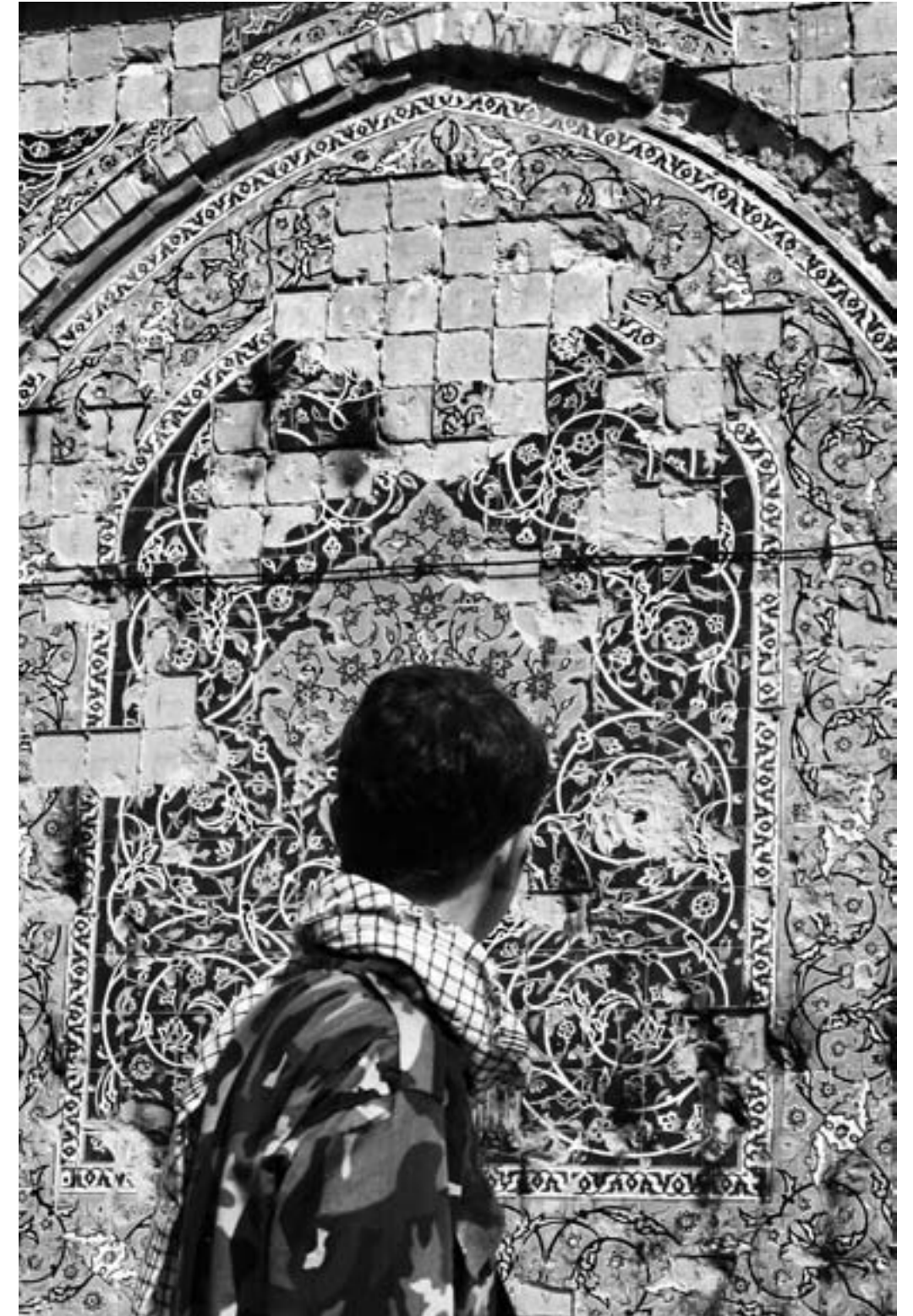
خرمشهر، فروردین ۱۳۸۶ / لنج آسیب دیده از حملات نیروهای عراقی، سال هاست که در ساحل رود کارون به گل نشسته است.

Khoramshahr, March 2007/ The ship damaged in the Iraqi attacks has for years been stranded on the banks of Karoon River.



موزه مقاومت، خرمشهر، فروردین ۱۳۸۶.

Museum of Resistance, Khoramshahr,  
March 2007.



موزه مقاومت، خرمشهر، فروردین ۱۳۸۶ / زائرین برای دیدن آثار به‌جا مانده از خرمشهر در دوران جنگ تحمیلی به موزه جنگ می‌آیند.

Museum of Resistance, Khoramshahr, March 2007/  
Visitors have come to the Museum to see the spoils  
of war in Khoramshahr.

گلدسته مسجد جامع، خرمشهر، فروردین ۱۳۸۶.

The minaret of Congregational Mosque,  
Khoramshahr, March 2007.





**شلمچه** / منطقه عمومی شلمچه از ضلع غربی شهر خرمشهر شروع می‌شود و تا عمق خاک عراق به پیش می‌رود. از آغاز نیز شلمچه یکی از مناطق حساس مرزی به شمار می‌رفت و چندین پاسگاه مرزی، هم چون پاسگاه شلمچه، پاسگاه مؤمنی و پاسگاه ختین وظیفه حراست از منطقه را بر عهده داشتند. چند روز قبل از آغاز علنی شروع جنگ از طرف عراق، پاسگاه‌های مرزی و روستاهای شلمچه گاه و بی‌گاه هدف خمپاره قرار می‌گرفتند و خانه‌های گلی، یکی پس از دیگری ویران می‌شدند. شلمچه پس از فتح خرمشهر دوباره توسط رزمندگان آزاد شد و در زمستان سال ۱۳۶۵ در عملیات بزرگ کربلای ۵ رزمندگان از مرزهای ایران گذشتند و پس از فتح شلمچه عراق خود را به پشت دیوارهای شهر بصره رساندند.

**Shalamcheh** / The Shalamche general zone starts from the western limits of Khoramshahr and extends deep into the heart of Iraqi territory. Shalamche has been considered from the beginning as a sensitive border region and a number of border posts, including the Shalamche station, the Momeni station and the Khin Station had the duty of protection the region. A few days before the all out war by Iraq, the Shalamche border posts and villages were the targets of occasional mortar attacks and the mud brick houses were destroyed one after the other. After the conquest of Khoramshahr, Shalamche was once again freed by the combatants. In winter of 1987 and during the great operation of Karbala 5, they passed the borders, and after conquering Iraq's Shalamche they reached Basra city walls.



**شلمچه**، فروردین ۱۳۸۶ / مردم برای زیارت مقبره شهیدای گمنام عملیات کربلای پنج می‌آیند.

**Shalamcheh**, March 2007/ People have come to visit the graves of unknown martyrs of Karbala 5 operations.



شلمچه، فروردین ۱۳۸۶ / جانبازی سال‌ها پس از پایان جنگ  
تحمیلی برای زیارت محل شهادت دوستانش به این سرزمین  
آمده‌است.

Shalamcheh, March 2007/ Years after the end of the imposed war, a wounded veteran has returned to this land to visit the site of his friends' martyrdom.



مقبره شهیدای گمنام، شلمچه، فروردین ۱۳۸۶.

The graves of unknown martyrs, Shalamcheh, March 2007.



شلمچه، فروردین ۱۳۸۶ با وجود بارش باران شدید، مردم برای زیارت آمده‌اند.

Shalamcheh, March 2007/ People have come to visit despite the heavy rainfall.



شلمچه، فروردین ۱۳۸۶.  
Shalamcheh, March 2007.



شلمچه، فروردین ۱۳۸۶ / گذشته و امروز شلمچه.  
Shalamcheh, March 2007/ Shalamcheh past  
and present.



شلمچه، فروردین ۱۳۸۶ / بازی کودکان با ادوات جنگی بجا مانده از ارتش عراق.

Shalamcheh, March 2007 / Children play with war implements left behind by Iraqi army.



شلمچه، فروردین ۱۳۸۶.  
Shalamcheh, March 2007.



شلمچه، فروردین ۱۳۸۶.  
Shalamcheh, March 2007.



**شلمچه**، آذر ۱۳۸۷ / تشییع پیکر یک شهید که بیست سال پس از پایان جنگ تحمیلی به سرزمین خود بازگشته است.

**Shalamcheh**, Dec 2008/ The funerals of a martyr who has returned home 20 years after the end of the war.

**شلمچه**، آذر ۱۳۸۷ / مردم مشتاق از سراسر ایران برای تحویل پیکر شهیدا به مرز شلمچه آمده‌اند و آنان را بر دست‌هایشان تشییع می‌کنند.

**Shalamcheh**, Dec 2008/ Eager people from all around the country have come to Shalamche to take part in the funeral of martyrs.



**شلمچه**، آذر ۱۳۸۷ / بیست سال پس از پایان جنگ تحمیلی، تعدادی از شهدای ایران با کشته شدگان عراقی مبادله می‌شوند.

**Shalamcheh**, Dec 2008/ years after the end of the war a number of martyrs are exchanged with the bodies of Iraqi soldiers.